

## پیشگامان تقریب مذاهب و نقش اجازه در جامعه اسلامی

یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین پایه‌های وحدت در جامعه اسلامی و ملل مسلمان، توحید و اعتقاد به وحدانیت و یگانگی خداوند است. به موجب این اصل، همه امت اسلامی با هر نژاد، طبقه، رنگ و زبان در هر زمان و مکان، باید به آفریدگاری یکتا و یگانه، و دین و طریقه واحدی ایمان داشته باشند؛ تا مصداق تمام عیار و کامل «امت واحده» قرار گیرند.

قرآن مجید در آیات فراوانی، به طور صریح و آشکار مسلمانان و جهانیان را به توحید فرا می‌خواند و عقیده توحیدی را خمیرمایه تشکیل امت اسلام می‌داند:

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾<sup>۱</sup>؛ «اینک (با آمدن دین مقدس اسلام و آیین توحیدی) امتی یکپارچه و یگانه شدید و من پروردگار شما هستم، (بنابراین) فقط مرا پرستش کنید».

در آیه‌ای دیگر علل و اسباب نزدیکی و وحدت مسلمانان را به خویش نسبت می‌دهد و به پیامبر گرامی اسلام اعلام می‌کند که ای پیامبر! تو با همه ثروت و امکانات روی زمین، قادر به این وحدت نبودی:

﴿وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾<sup>۲</sup>؛ «این خداوند بود که دل‌های مؤمنان را به هم

۱. سوره انبیاء (۲۱)، ۹۲.

۲. سوره انفال (۸)، ۶۳.

نزدیک و مهربان ساخت، اگر تو تمام ثروت روی زمین را در راه ایجاد الفت و پیوند دادن دل‌های مؤمنان به یکدیگر خرج می‌کردی، نمی‌توانستی دل‌هایشان را به هم نزدیک سازی! اما خداوند بود که آنان را به هم الفت داد، یقیناً خداوند به هر کاری توانا و داناست.»

از این فراتر و بارزتر آنکه منشأ پیدایش بنی آدم و خیزشگاه انسانها را از یک سرچشمه می‌داند و آشکارا هر گونه اختلاف نژادی، رده‌بندی‌های اجتماعی و فرقه‌گرایی را مردود دانسته و بیان می‌دارد که:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾؛ «ای مردم! آگاه باشید که همه شما را از مرد و زن آفریدیم و آنگاه شما را گروه - گروه و فرقه‌های گوناگون قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید، یقیناً بزرگوارترین و بهترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست.»

در عین این گروه بندی متعارف به دلیل ایمان واحد و عقیده مشترک، همه مؤمنان را برادر همدیگر معرفی و از یکایک آنان می‌خواهد که اگر اختلافی بین این برادران دینی پیش آید، باید به اصلاح آن پرداخت و برادران را با یکدیگر آشتی داد و در این مسیر تقوا پیشه کرد، تا مورد لطف و مرحمت حق قرار گیرند:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾؛<sup>۲</sup>

راه از میان رفتن اختلاف و تفرقه و دشمنی، چنگ زدن به ریسمان توحید و یادآوری نعمتهای وحدت‌آفرین الهی است:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا﴾<sup>۳</sup>؛ «و همگی به رشته الهی چنگ بزنید و به راه‌های گوناگون تفرقه‌آمیز نروید، و به یاد آورید آن نعمت بزرگ را که وقتی شما با هم

۱. سوره حجرات (۴۹)، ۱۳.

۲. همان، ۱۰.

۳. سوره آل عمران (۳)، ۱۰۳.

دشمن بودید؛ خداوند بود که بین شما الفت و مهربانی و پیوند قلبی برقرار کرد و به لطف او بود که همگی با هم برادر شدید، در حالی که در لب پرتگاه آتش قرار داشتید و خداوند شما را از آن نجات داد».

بر این معیار و بر این مبنا بود که پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ میان مسلمانان عقد اخوت بست و یک پیوند خدایی و ناگسستنی در میان امت اسلامی پدید آورد و مسلمانها با عقیده مشترک، به توحید، نبوت، معاد و ایمان به ملائکه، کتاب خدا، قبله واحد و نیایشی واحد و مشترک به وحدت رسیدند و امتی واحد، یکپارچه، همگون و برابر و برادر شدند؛ چرا که قرآن آنها را برادر دانسته و پیامبر تأکید فرمود که: «المؤمن اخ المؤمن» و نیز آنها را به جسمی واحد تشبیه کرده و فرمود:

«مَثَلُ الْمُسْلِمِينَ فِي تَرَاخُمِهِمْ وَتَوَادُّهِمْ، كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ، تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْأَعْضَاءِ بِالسَّهْرِ وَالْحَمِي».

این جسد همان امت یکپارچه اسلامی است و اعضای پیکره آن، مسلمانان و شعبه‌ها و تیره‌های مختلف و متفرق هستند، و اگر عضوی از آن پیکره واحد دچار ناراحتی، جراحت و المی گردید، وظیفه سایر اعضا و اجزاست که به درمان آن پردازند، تا جامعه به صلح، آرامش، ترقی و تکامل دست یابد.

با همه توصیه‌ها، تأکیدها و دستوره‌های آشکار خداوند و پیامبر گرامی اسلام ﷺ، دیری نپایید که اختلاف و تفرقه، در جامعه یکپارچه اسلامی پدید آمد و پیکره واحد این امت متحد و توحیدی، گرفتار آفت و بیماری و دشمنیهای خانمان برانداز گردید. دشمنان اسلام که از آغاز ظهور اسلام از این امت واحد، ضربات سهمگینی خورده بودند، از این اختلاف و شکاف بین مسلمانان سود جسته و سر بر آوردند و آگاهانه به این اختلاف دامن زدند و تا توانستند بر عمق و گستره تفرقه بین مسلمانان افزودند و شکاف و اختلاف را عمیق‌تر و خصمانه‌تر ساختند.

باز شدن دست استعمار باعث دامن‌دارتر شدن این اختلافها و تفرقه‌ها گردید؛ تا آنجا که مسلمانان روز به روز ضعیف‌تر و شکننده‌تر شده و در چنگ استعمار خونخوار گرفتار گردیدند؛ از این رو بر رهبران فکری جامعه، دانشمندان و عالمان اسلامی است که نخست خود دست وحدت و برادری به سوی یکدیگر دراز کنند

و در مرحله بعد به بیدارگری امت متفرّق، متشّت و پراکنده اسلامی پرداخته و به احیای برادری، اتحاد و یکپارچگی در میان مسلمانان روی آورند و همگی را به توحید که پایه و رکن اساسی اسلام و عامل وحدت بخش جامعه اسلامی است فرا خوانند و زیر پرچم قرآن از نوبه بنای وحدت اسلامی بپردازند و به هر مسلمان در هر نقطه و هر زمان بفهمانند که برادر هم هستند، و به تبیین این حقیقت که وحدت مسلمانان بر دو محور اصلی می‌چرخد، پرداخته شود:

۱. رعایت و احترام نمودن هر مسلمان به حقوق دیگر مسلمانان، در هر یک از سرزمینهای پهناور اسلام، بدون در نظر گرفتن مذهب، طبقه، نژاد، جنسیت، زبان و رنگ، و مصون بودن جان و مال آنان.

۲. اعتقاد به برادری فرد - فرد امت اسلامی، همچنان که خداوند فرمان داده و پیامبر اسلام و امامان و پیشوایان جامعه اسلامی به آن توصیه، راهنمایی و حتی عمل کرده‌اند.

در این میان نقش عالمان و بزرگان شیعه در فراهم سازی زمینه‌های وحدت تمام ملت‌های اسلامی و ایجاد بستر تفاهم و همدلی و تقریب و نزدیک سازی فرقه‌های مختلف جهان اسلام و پیروان مذاهب توحیدی، بسیار برجسته و شاخص است. شخصیت‌های بزرگ و نامداری مانند: ابوالقاسم علی فرزند حسین فرزند موسی «شریف مرتضی» و «علم الهدی» (۳۵۵-۴۳۶ ق) مفسر، متکلم و فقیه اصولی؛ ابوجعفر محمد فرزند حسن طوسی «شیخ الطائفه» و «شیخ طوسی» (۳۸۵-۴۶۰ ق) مفسر، فقیه اصولی و از مشاهیر فقها و علمای شیعه؛ جمال الدین حسن فرزند یوسف فرزند مطهر «علامه حلی» (۶۴۸-۷۲۶ ق) یکی از نامورترین فقهای شیعه؛ محمد فرزند عزالدین حسین فرزند عبدالصمد «شیخ بهایی» (۹۵۳-۱۰۳۰ ق) فقیه اصولی، محدث رجالی، مفسر، متکلم، ریاضیدان و ادیب برجسته شیعی؛ ملا محمد باقر فرزند محمد تقی «علامه مجلسی» (متوفای ۱۱۱۱ ق) محدث، فقیه و از مفاخر شیعه؛ و از متأخرین آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی (۱۲۹۲-۱۳۸۰ ق) فقیه برجسته و مرجع نامدار شیعیان، که دلسوزانه و مجدانه در این راه کوشیده و همت بر این کار گمارده‌اند.

آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی (۱۳۱۵-۱۴۱۱ ق) نیز، به تأسی از این بزرگان و سلف صالح تشیع، پیش از پایه گذاری «دارالتقریب بین مذاهب اسلامی» در مصر، توسط شیخ محمدتقی قمی شیعی و شیخ شلتوت - رئیس جامع الازهر قاهره - و همگامی کسانی مانند: آیت الله بروجردی، شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء، سید عبدالحسین شرف الدین موسوی عاملی از جهان تشیع؛ عبدالمجید سلیم، محمدعلی علویه پاشا، حسن البنا، علی مؤید، امین الحسینی؛ و همچنین شیخ آلوسی - فرزند صاحب تفسیر آلوسی - که در سال ۱۳۷۸ قمری، عملاً گام در این راه نهاد و با حضور در جلسات درس علمای بزرگ اهل سنت از مذاهب چهارگانه و دیگر فرق اسلامی در عراق و سایر مناطق اسلامی، به شکلی واقعی و عینی در راه تفاهم هر چه بیشتر و نزدیک سازی مذاهب مختلف و علما با یکدیگر، و ایجاد زمینه های گسترده ارتباطات همه جانبه کوشید.

ایشان در آغاز دوره تحصیلی در عراق به محفل و جلسه درس علمای طراز اول اهل سنت عراق مانند: علامه شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی (زنده ۱۳۵۶ ق)؛ علامه سید ابراهیم موسوی رفاعی شافعی بغدادی (متوفای ۱۳۶۵ ق)؛ علامه شیخ نورالدین شافعی «شیخ نوری»؛ علامه سید عبدالوهاب افندی حنفی و علامه سید علی خطیب نجف اشرف، شرکت نمود و از مباحث و تقریرات درسی آنان استفاده کرد و ارتباطی متین و مستحکم با آنان به وجود آورد، که موجب شگفتی بسیاری از معاصران وی گردید.

آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، برای تحکیم هر چه بیشتر وحدت علمای اسلام و ایجاد زمینه های اتحاد و همبستگی در جامعه اسلامی از تعداد بسیاری از مشایخ روایتی و درسی خویش، از علما و فقهای بزرگ اهل سنت و جماعت و سایر فرق اسلامی اجازه روایتی دریافت کرد و یا به آنان اجازه روایتی داد که پیش از اشاره به آنها، لازم است در اینجا به مفهوم اجازات روایتی در میان علمای اسلام و زمینه سازی اجازات متقابل و طرفینی که در اصطلاح به آن اجازات «مدبّجه» می گویند نیز، اشاره کوتاهی داشته باشیم.

## اجازة روایتی

حدیث و حاملان و راویان آن در جامعه اسلامی از پایگاه و موقعیت ممتازی برخوردار بوده و هستند؛ زیرا حدیث، بیان و تفسیر قرآن و احکام و قوانین اسلام است و محدث و راوی، بازگو کننده و ناقل آن، از این رو در علم حدیث و رجال بسیار به آن دو پرداخته‌اند و برای شناخت احادیث صحیح از غیر صحیح، راه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند، چنان که برای حاملان احادیث و ناقلان و راویان آن، شرایط خاصی قائل شده و ویژگی‌هایی در نظر گرفته‌اند. در حقیقت اجازة روایتی، در اصطلاح دانشمندان اسلامی، عبارت است از: تأیید دانشمندی برجسته بر تأیید عالمی دیگر، که خود در طول تاریخ اسلامی، در مذاهب گوناگون، بین علمای مذهبی رایج و معمول بوده است.

راه‌ها و به اصطلاح «طرق حمل حدیث» گوناگون و مختلف است. شهید ثانی این طرق و راه‌ها را به هفت دسته تقسیم کرده است که عبارتند از: سماع (شنیدن)، قرائت، اجازة، مناولة، کتابت، اعلام و وجاده که هر یک از این راه‌ها خود به بخشها و شعبه‌های متعددی تقسیم می‌گردد؛ از این هفت راه جز طریق اجازة، بقیه رواج چندانی ندارد، به همین دلیل، به اختصار فقط به تعریف انواع اجازة می‌پردازیم.<sup>۱</sup>

الف. اجازة روایتی که به هنگام اطلاق، ناظر به همین قسم است و به این معناست که عالمی صاحب اجازة، که از مشایخ و اساتید خود اجازة نقل حدیث و بیان و روایت آن را دارد، به عالمی واجد شرایط، اجازة دهد از او احادیث و اخباری را که وی از مشایخ خود به صورت کتبی یا شفاهی نقل کرده است، در نوشته‌ها، آثار و تألیفات خود بیاورد و یا برای دیگران نقل و روایت کند.

این نوع از اجازات به این دلیل رواج یافته که هر شخص بی صلاحیتی نقل حدیث نکند و تنها افرادی که واجد تقوا، راست گویی، امانت‌داری، بصیرت، خبره، حدیث‌شناس، سندشناس و رجال‌شناس باشند، مجازند به نقل حدیث بپردازند تا الفاظ و محتوای حدیث خدشه‌دار نشود و شنوندگان و خوانندگان با اطمینان کامل مضمون حدیث را به گوش جان بشنوند و به آن عمل کنند.

۱. جهت اطلاع بیشتر، به کتاب الاجازة الکبيرة، آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ص ۴۶۵-۵۱۷ مراجعه کنید.

این گونه اجازات روایتی فواید بی شماری دارد که از جمله، تیمن و تبرک اجازه است که «مجاز» خود را در بین راویان حدیث احساس می کند؛ دیگر اتصال اسانید کتابها و روایات که در هر عصر و زمان، شخصی عالم به عالم دیگر می سپارد و نسبت کتابها به نویسندگان و نقل احادیث از اعتبار بیشتری برخوردار می گردد؛ همچنین آشنایی بیشتر «مجاز» از شرح احوال علمای گذشته و اسامی و تألیفات و مشایخ آنان و نیز از لحاظ تاریخی در هر عصر و زمان علت صدور اجازه عالمی به عالم دیگر از هر طبقه مشخص می گردد؛ و دیگر آنکه احوال علما و دانشمندان و نیز دیدگاه های استادان نسبت به شاگردان و بر عکس، و شهادت آنان در حق یکدیگر مشخص می شود؛ و بالأخره برای نقل احادیث از کتب معتبره، در مرحله اول اعتماد بیشتری در شنوندگان و خوانندگان ایجاد می گردد.

ب. اجازه اجتهاد (شهادت نامه علمی)، که اجازه دهنده (مجیز) برای اثبات قدرت استنباط احکام شرعی از روی ادله تفصیلی، آن را به اجازه گیرنده (مجاز) می دهد. به عبارت دیگر، هنگامی که استاد و شیخی، قدرت و توانایی و ملکه استنباط احکام شرعی و اجتهاد را در شاگرد خویش تشخیص بدهد، به او اجازه اجتهاد خواهد داد.

این نوع اجازه در میان متأخرین بسیار متداول شده و نوعی شهادت نامه علمی است که اساتید به شاگردان خود می دهند؛ اعم از اینکه این اجتهاد مطلق باشد و یا مجتهد متجزی، قدرت اجتهاد بخشی از احکام را داشته باشد.

ج. اجازه امور حسبیه و گرفتن و محاسبه و جوه شرعی، مانند سهم سادات، سهم امام زمان علیه السلام زکات، صدقات، کفارات، مظالم عباد، مجهول المالک، تصرف در امور دینی، اسلامی و اجتماعی مسلمان.

به اعتباری دیگر، تمام اجازات روایتی به دو نوع اجازات کتبی و شفاهی تقسیم می گردد. اجازات کتبی عبارت است از اینکه، شیخ و استاد به شاگرد و یا عالمی دیگر به صورت مکتوب و مستند اجازه روایت و نقل حدیث بدهند؛ و اجازات شفاهی آن است که، کتابتی و سندی مکتوب در میان نباشد و با اعتمادی که استاد و مجیز به مجاز دارد، به صورت شفاهی به وی اجازه نقل حدیث و بیان آن را برای دیگران می دهد.

آیت‌الله العظمیٰ مرعشی نجفی رحمته الله در زمره معدود مراجع، مجتهدان و عالمانی است که از سنین جوانی و در طول زندگی پربار خویش، موفق به دریافت بیش از چهارصد اجازه روایتی از مشایخ جهان اسلام گردید. به جرأت می‌توان ادعا کرد که در میان علمای متأخر کمتر عالمی است که مانند ایشان نائل به این همه اجازه شده باشد و در حقیقت شیخ الاجازة عصر خویش به شمار می‌آید.<sup>۱</sup>

اجازات کتبی معظم‌له نزدیک به ۱۵۰ اجازه و اجازات شفاهی ایشان متجاوز از ۲۵۰ اجازه می‌شود.

وی بیش از ۳۳۹ اجازه روایتی از علما و فقهای شیعه، و ۵۶ اجازه روایتی از علما و فقهای اهل سنت، و بیش از هفده اجازه روایتی از علمای زیدی دریافت کرده است که خود نشانگر ارتباط گسترده ایشان با علما، فقها و محدثان مذاهب اسلامی است.

شماری از اجازات ایشان به صورت متقابل و طرفینی است که در اصطلاح علمای حدیث و اجازه، آن را اجازه «مدبّجه» می‌نامند؛ یعنی بعضی از مشایخ - اعم از شیعه و سنی - به معظم‌له اجازه نقل حدیث از طریق خودشان داده‌اند و در مقابل ایشان نیز به آنان اجازه نقل احادیثی که خود از طریق دیگر مشایخ نقل کرده، داده است. دسته‌ای از این اجازات که کتبی هستند، اینجانب گردآوری کرده‌ام که در کتاب *المسلسلات فی الاجازات*، در دو جلد، به عربی منتشر شده است. جلد اول آن، اصل اجازات با دستخط «مجیزین» و جلد دوم شامل زندگی نامه اجازه دهندگان است. علما و دانشمندان اهل سنت که به آیت‌الله العظمیٰ مرعشی نجفی رحمته الله اجازه روایتی کتبی داده‌اند عبارتند از:

۱. علامه شیخ عبدالحفیظ فرزند محمدطاهر فهری فاسی مالکی مغربی، از ذریه ذی‌الوزارتین، یحیی فرزند فرج فرزند جد اندلسی (۱۲۹۶-۱۳۸۳ ق)، مقیم رباط مراکش. مجموعه اجازات او به نام *الاسعاد بمهمات الاسناد*، در ۶۳ صفحه، در سال ۱۳۵۷ ق، نوشته شده است.

۱. ایشان، گذشته از اینکه موفق به دریافت بیش از چهارصد اجازه از علمای اسلام شده‌اند، خود نیز بیش از سه هزار اجازه، به افراد مختلف واجد شرایط، در طول زندگی خود داده‌اند.



۲. علامه شیخ داوود فرزند محمد فرزند عبدالله مرزوقی زبیدی یمانی شافعی. تاریخ اجازه، ۲۷ رجب ۱۳۵۵، در یازده صفحه.
۳. علامه سید ابراهیم راوی رفاعی بغدادی شافعی (۱۲۷۶-۱۳۶۵ ق)، مدرس سابق جامع سید سلطان علی در بغداد. ایشان سه اجازه به مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله داده‌اند، که اولی در ۲۶ شعبان ۱۳۵۱، در هشت صفحه، و دومی در ۲۷ ربیع الاول ۱۳۵۵، و سومی بدون تاریخ است.
۴. علامه شیخ محمدبخت فرزند حسین مطیعی مصری حنفی (۱۲۷۱-۱۳۵۴ ق)، مفتی سابق حنفیه، مصر. اجازه او به تاریخ ۲۶ ذی‌قعدة ۱۳۵۲، در قاهره نوشته شده و تصویر آن در پایان این مقاله آمده است.
۵. علامه شیخ محمدطاهر فرزند محمد شاذلی فرزند عبدالقادر فرزند محمد فرزند عاشور شریف مالکی مغربی تونسی (۱۲۹۶-۱۳۹۳ ق). تاریخ اجازه بیستم شوال ۱۳۸۸، در هشت صفحه.
۶. علامه سید علوی فرزند طاهر فرزند عبدالله حدّاد علوی حسینی شافعی حصرمی (۱۳۰۱-۱۳۸۲ ق). تاریخ اجازه هیجدهم شوال ۱۳۶۶، در ۴۲ صفحه.
۷. علامه شیخ محمدالله حافظ جی حضور امیرالشریعه فرزند مولوی محمد ادیس حنفی بنگلادشی (متوفای ۱۹۸۸ م)، رهبر مذهبی مسلمانان بنگلادش. تاریخ اجازه هیجدهم ذی‌قعدة ۱۴۰۲، در شهرستان قم.
۸. علامه شیخ محمد بهجت فرزند محمد بهاء‌الدین بیطار دمشقی حنبلی (۱۳۱۱-۱۳۹۶ ق)، از دانشمندان برجسته سوریه و مؤلفان مشهور جهان عرب. تاریخ اجازه پانزدهم جمادی‌الثانی ۱۳۵۷.
۹. علامه شیخ یوسف فرزند احمد فرزند نصر دجوی مصری مالکی (۱۳۸۷-۱۳۶۵ ق)، عضو انجمن کبار العلماء سابق مصر. تاریخ اجازه هیجدهم ژولای ۱۹۳۹.
۱۰. علامه سید علی فرزند حمد فرزند عقیل علوی شافعی یمانی.
۱۱. علامه شیخ عبدالواسع فرزند یحیی فرزند حسین واسعی یمانی شافعی (۱۲۹۵-۱۳۷۹ ق)، از علمای بزرگ یمن. دو اجازه به مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله داده است که اولی در شوال ۱۳۵۵ و دومی بدون تاریخ است.

او نیز در مقابل اجازه‌ای از آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله، در چهارم محرم الحرام ۱۳۵۵ دریافت کرده است که در صفحه ۱۰۳ کتاب الدر الفرید الجامع لمفترقات الاسانید، به سال ۱۳۵۷ ق، که در چاپخانه حجازی قاهره چاپ شده است و آن را به عنوان نمونه، در پایان مقاله آورده‌ایم.

۱۲. علامه شیخ ابراهیم جبالی مصری، از دانشمندان برجسته سابق الازهر مصر که شهرت فراوانی نزد علمای آن دیار داشته است. تاریخ اجازه ۲۷ ربیع الاول ۱۳۵۴.

۱۳. علامه شیخ احمد فرزند محمد فرزند سلیمان اهدل مقبول حسینی زبیدی «ادریسی» (۱۲۸۴-۱۳۵۷ ق). تاریخ اجازه هیجدهم رجب ۱۳۵۵.

۱۴. علامه شیخ محمد فرزند صدیق بطاح اهدل شافعی حضرمی. تاریخ اجازه رجب ۱۳۵۵.

۱۵. علامه شیخ احمد فرزند شیخ امین کفتارو، مفتی بزرگ سوریه. تاریخ اجازه، چهارم ربیع الاول ۱۴۰۲.

۱۶. علامه شیخ محمد حسن محمد مشاط مکی، خادم و مدرس حرم مکی و دارای تألیفات بسیار. نام اجازه او: «الارشاد بذکری بعض مالی من الاجازة والاسناد» در دوازده صفحه که به سال ۱۳۷۰ ق نوشته است.

۱۷. علامه شیخ حسین مجدی کردی شافعی، مدرس در مسجد بازار شهرستان مهاباد کردستان. تاریخ اجازه ۱۳۸۸ ق.

۱۸. علامه سید حسن اسعدی شافعی کردی، مقیم کردستان، شهرستان سلدوز. اجازه او در سه صفحه و به تاریخ ۱۳۸۵ ق است.

۱۹. علامه عارف شیخ عبدالله فرزند ابراهیم نیاس مالکی تیجانی، رهبر تیجانیه‌های آفریقا در کشور سنگال. تاریخ اجازه، ششم محرم الحرام ۱۴۱۰.

بین مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله و کسانی مانند: علامه سید احمد فرزند محمد فرزند سلیمان فرزند عبدالله اهدل شافعی حضرمی یمانی؛ علامه سید ابراهیم راوی رفاعی شافعی بغدادی، علامه شیخ عبدالواسع فرزند یحیی واسعی یمانی، شیخ عبدالله فرزند ابراهیم نیاس مالکی تیجانی، علامه شیخ احمد فرزند امین کفتارو، شیخ محمدالله حافظ جی حضور، امیرالشریعه حنفی اجازات مدبجه رد و بدل شده است.

سایر علما و فقهای اهل سنت که آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی رحمته الله از آنان اجازه کتبی و شفاهی روایتی دریافت کرده‌اند، عبارتند از؛ سید عبدالوهاب افندی حنفی، مفتی استان کربلا در زمان دولت عثمانی؛ علامه مصلح و مفسر بزرگ مصر، شیخ طنطاوی جوهری مصری صاحب تفسیر الجواهر؛ شیخ محمد راغب فرزند حاج محمود حلبی صاحب کتاب اعلام النبلاء بتاريخ حلب الشهباء؛ سید محمد فرزند عقیل فرزند عبدالله حسنی علوی عریضی حضرمی؛ ابوبکر فرزند شهاب علوی؛ علامه شیخ نورالدین شافعی «شیخ نوری»؛ علامه محدث مصلح شیخ احمد فرزند عبدالرحمان فرزند محمد البناء، مشهور به ساعاتی مصری مالکی، پدر شیخ حسن البناء، رئیس اخوان المسلمین؛ شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی؛ شیخ محمد دمشقی حنبلی؛ سید جمال‌الدین ابوالمعالی محمود شکری آلوسی بغدادی؛ شیخ عبدالوهاب فرزند عبدالله خوقیر شافعی مکی، امام مسجد الحرام؛ شیخ یوسف عطاء حنفی اشعری بغدادی؛ شیخ حسین منون فرزند یوسف فرزند احمد منون؛ علامه فضل الله جیلانی، استاد دانشگاه عثمانیه حیدرآباد دکن؛ ابوسعید محمد عبدالهادی فرزند حاج محمد عبدالکریم فرزند احمد هندی مدرسی حنفی حیدرآبادی؛ حاج شاه مولوی محمد عبدالحامد حنفی قادری بدایونی، رئیس جمعیت علمای پاکستان؛ عبدالرحمان علیش حنفی مصری؛ شیخ محمد حبیب الله فرزند عبدالله فرزند احمد مالکی جکنی یوسفی شنقیطی مدنی؛ سید ابو عبدالله محمد فرزند حسن فرزند عربی محمد حجوی ثعالبی مالکی مغربی فاسی ریاطی؛ سید فائق فرزند صالح فرزند عبدالقادر فرزند یونس علوی عبادی ربونی موصلی شافعی؛ شیخ محمد سلیم جندی شافعی ثم الحنفی، مفتی بلدة معرة النعمان؛ سید محمود ابوالفیض مونی مصری شاذلی خلوتی؛ شیخ محمد رشید خطیب فرزند شیخ صالح طائی موصلی؛ شیخ یوسف فرزند اسماعیل فرزند یوسف ناصرالدین شافعی بیرونی نبهانی، شیخ محمد یوسف فرزند محمدالیاس هندی کاندهلوی؛ شیخ مظفر احمد بطیف عثمانی تهانوی؛ سید نسابه ابوالاسعاد، ابوالاقبال سید محمد عبدالحی فرزند سید عبدالکبیر حسنی ادریسی مغربی کتانی.

به این ترتیب آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی رحمته الله یکی از علما و فقهای پیشتازی

است که با شرکت در این مجالس درس و بحث‌های عالمان و بزرگان مذاهب مختلف اسلامی، و همچنین گرفتن و دادن اجازات روایتی، باب مرآوده و راه ارتباط بین علمای مذاهب اسلامی را گشود و در نزدیک کردن علمای فرق مختلف به یکدیگر کوشش فراوان کرد، و طریق ایجاد اعتماد و اطمینان متقابل علما و فقهای جهان اسلام را پیمود و از آن، در ایجاد ارتباط، اتحاد و وحدت بخشی به جامعه اسلامی و مذاهب و فرق گوناگون جهان اسلام به خوبی استفاده کرد.

راه دیگری که آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله در تقریب مذاهب، ایجاد رابطه و برقراری اتحاد میان بزرگان و علمای اسلامی طی کرد، سیر و سفر و ملاقات با دانشمندان، فقها و بزرگان اهل سنت و سایر مذاهب اسلامی بود.

ایشان در این سفرها با شخصیت‌های علمی و مذهبی بسیاری ملاقات، و در محفل درس آنان شرکت جست و با آنان به بحث و بررسی مسائل اسلامی پرداخت، که برخی از آنان عبارتند از:

علامه سید محمود شکری آلوسی بغدادی، شیخ طنطاوی جوهری مصری، علامه سید علی خطیب در نجف، سید یاسین حنفی در بغداد، شیخ عبدالسلام شافعی کردستانی، رشید بیضون لبنانی، سید محمد رشید رضا شاگرد محمد عبده مصری و صاحب تقریرات تفسیری تفسیر المنار، عارف الزین مدیر مجله العرفان در لبنان، قاضی بهجت افندی صاحب کتاب تاریخ آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، دکتر حسن قاسم مصری، شیخ ابراهیم جبالی مصری، شیخ یوسف دجوی مصری، شیخ محمد بهجت بیطار دمشق، و صدها عالم و دانشمند برجسته از اهل سنت، زیدیه، اسماعیلیه و سایر فرق اسماعیلی.

راه دیگری که معظم له برای تقریب و ایجاد وحدت علمای اسلامی، و در نتیجه ملل اسلامی پیمود، ارتباط با علما و بزرگان اهل سنت از راه مکاتبه بود.

نامه‌های فراوانی هم اکنون در میان اسناد زندگینامه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله موجود است که نشان می‌دهد، ایشان چقدر به این امر اهمیت می‌داده و در راه برقراری اتحاد میان مسلمانان، به ویژه علمای اسلامی چه کوششی داشته است. ایشان با رئیس «جمعیت اخوت اسلامی مصر» - علامه شیخ طنطاوی جوهری -

مکاتبات بسیاری داشته و برای وی کتابها و رساله‌های مختلفی در مورد شیعه ارسال می‌کرده است.

همچنین با علامه شیخ محمد بهجت بیطار دمشقی و علامه سید حسین محمد رفاعی مصری - رئیس «رابطة عموم السادة الاشراف الكبرى العالمية» - و دیگر علما و فقهای بزرگ اهل سنت مکاتبه و نامه‌نگاری داشته است.

هدف از این مکاتبات در مرحله نخست، اعلام کلمه اهل بیت علیهم السلام و رساندن ندای آنان به گوش تمامی مسلمانان در جهان اسلام، و در مرحله دوم، ایجاد وحدت و اعلان کلمه توحید و اتحاد جوامع، فرق و مذاهب اسلامی بود. یادش گرامی باد.

اینک یک اجازه که مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله برای مرحوم شیخ عبدالواسع واسعی یمانی، در محرم سال ۱۳۵۵ نوشته‌اند و در کتاب الدر الفرید الجامع لمتفرقات الاسانید که به سال ۱۳۵۷ ق، در قاهره چاپ شده است، با اجازه‌ای دیگر از مرحوم شیخ محمد بخیت مطیعی حنفی مصری که برای آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله نوشته است، به عنوان نمونه از نظر تان می‌گذرانیم.

وهذه اجازة السيد العلامة شهاب الدين

أبو المعالي الحسيني الحسني من علماء الامامية

حفظه الله من ايران مدينة قم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل الروايات، عن الأئمة السادات، ذريعة لنيل السعادات، و صان طرقها من تطرق الشكوك والشبهات، والصلاة والسلام على اشرف البريات، محمد، المنتهى اليه سلسلة العلوم من كل جهات، و على اهل بيته الذين اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهيرا، الذين من تمسك بذيلهم فقد نجا، و من تخلف عنهم فقد هلك، كيف والى الله يدعون، و بأمره، يعملون، و بقوله يحكمون، صلاة دائمة مستمرة، (و بعد) فقد استجاز عني الاخ الفاضل، و العالم الكامل، شمس سماء العلم و الجلالة، و بدر أوج السعادة و النبالة، العلامة البحاثه، الاستاذ المؤرخ الرجاله، شيخنا الشيخ (عبدالواسع بن يحيى الواسعي) اليماني، دام مجده و فاق سعده، في رواية ما صحت لدي روايته، و صاغت عندي اجازته، من معقول و منقول، و ذلك بعد ما استجزت عنه

روایه ما یرویه و قد أجازني واني وان كنت لا أعد نفس الجانية من فرسان هذا المضمار، ولا من سباق هذا الزمان ولكن امتثال أمره الامطاع، ألزمني باسعاف المسئول، ونجاح المأمول، فاستخرت الله في ذلك وأجزت له، دام علاه، وزيد في ورعه وتقاه، أن يروي عني كل ما أرويه بطريقي المتكثرة، المنتهية الى أهل بيت الوحي والرحمة، وخزائن العلم والحكمة، وهي تقرب من مأتي طريق.

مضافا الى مالي من طرق اهل السنة وغيرها، من فرق الاسلام، ولا علم في هذه الاعصار، انه اتفق لاحد مثل ما اتفق لي من جمع الطرق بهذا المقدار، وذلك من فضل ربي، أشكر أم أكفر، ولكن الأسف أن المجال غير مقتض لذكرها مفصلة لما احل بنا مما «إشارة الى مصائب حلت بنا من الشقي البهلوي» يذيب القلوب، ويهيج الاحزان والكروب، وأرجو الله تعالى أن يكشف هذه الغمة، عن الامة، (و الذي يمكنني) نجم سماء السيادة شرف آل الرسول فخر بني الزهراء البتول، سيدي الوالد العلامة الاستاذ السيد شمس الدين محمود الحسيني المرعشي النسابة المتوفي سنة ۱۳۸۸ هـ. عن والده شرف الدين، السيد علي سيد الاطباء الحسيني المرعشي المتوفي سنة ۱۳۱۴ هـ. عن والده السيد محمد، عن والده السيد ابراهيم عن العلامة السيد محمد عن استاذه السيد عبدالفتاح، عن والده السيد ضياء الدين محمد، عن والده السيد محمد الصادق، عن والده السيد محمد الطاهر، عن والده السيد علي النواب، عن والده السيد حسين علاء الدين، عن والده رفيع الدين محمد، عن والده السيد شجاع الدين المحمود، عن والده السيد علي، عن والده السيد هداية الله، عن والده الشريف السيد علاء الدين الحسين الحسيني عن العلامة السيد غياث الدين المنصور الدشتكي الحسيني الشيرازي وهو يروي عن آبائه ومشايخه السادة الميامين خلفاً عن سلف الى النبي الاكرم ﷺ مشهورة، معروفة في جوامع أصحابنا، كالكافي والاستبصار والتهذيب والبحار والوافي والوسائل والامالي والمجالس والارشاد ومدينة العلم وبصائر الدرجات ودعائم الاسلام والمحاسن والجعفریات وعلل الشرائع و عيون الأخبار وكشف الغمة و اكمال الدين و ثواب الأعمال وغيرها (و ممن أروي عنه) العلامة الاستاذ خاتم أهل الحديث في القرن الرابع عشر ليث بني هاشم، الحبر المحيط بأحاديث آل الرسول، سند العراق، الآية الحجة السيد أبو محمد الحسن صدرالدين، ابن الهادي الموسوي، نزيل بلدة الكاظمين المشرفة،

بطرقه المعروفه (و ممن أروي عنه) العلامة الاستاذ الزاهد العابد خادم قبري الامامين العسكريين ببلدة سرّ من رآه المعروفه (بسامراً) الحجة الثبت الشيخ الميرزا محمدبن علي الطهراني بطرقه المعروفه (و ممن أروي عنه) العلامة الاستاذ المصلح الكبير الحجة الثبت سيدنا السيد نجم الحسن الهندي، مؤسس مدرسة الواعظين المشهورة ببلاد الهند و طرقه معروفه (و ممن أروي عنه) فخر الشيعة و مروّج الشريعة مجدد مذهب أجداده الطاهرين و قانع بدع المنتحلين السيد اسحاق المشتھر بناصر الحسين الهندي، نجل صاحب كتاب عبقات الانوار المشهورة و طرقه معروفه الى غير ذلك من طرق المأتين و (أما) مشايخي من علماء الزيدية فعدة منهم بل هو اعلا طرفي الى ائمة اهل البيت الامام ابن الائمة الكرام سيف آل الرسول و شرف بني الزهراء البتول سيد ملوك الاسلام أمير المؤمنين (الامام يحيى) بن محمد حميدالدين - نصره الله و خلد ملكه و أجرى في بحار التأييد فلكه - بطرقه المعروفه لديكم (و منهم) العلامة الفقيه المرحوم شيخ آل الرسول السيد محمد بن عقيل العلوي الحضرمي (و منهم) عدة من علماء بلدة زييد من بلاد اليمن السعيدة و غيرهم (و اما مشايخي) من أهل السنة فعدة (منهم) العلامة المحدث السيد ابراهيم الراوي الشافعي البغدادي بطرقه (و منهم) العلامة الشيخ محمد بخيت مفتي الديار المصرية سابقا بطرقه المعروفه (و منهم) العلامة السيد محمود الشكري الافندي البغدادي بطرقه (و منهم) الاستاذ الشيخ ابراهيم المصري بطرقه (و منهم) الشيخ نورالدين الشافعي المشتھر بالشيخ نوري القاريء الحافظ (و منهم) الشيخ عبدالسلام الكردي الى غير ذلك من طرقهم، (فلشيخنا العلامة الشيخ عبدالواسع) أن يروي عن هؤلاء الحديث و مقدماته و الفقه و الاصولين و التفسير و النسب و التاريخ و التراجم و الكلام و العلوم الآلية غيرها بالاسانيد المتكثرة المضبوطة في أماكنها و من أراد فليراجع المجلد الأخير من بحار الانوار و كتاب لؤلؤة البحرين و الدرّة البهية و الروضة الندية و امل الآمل و غيرها و المرجو من جنابه أن لا ينساني من صالح الدعاء في مظان الاجابة و أماكن الاستجابة كما أنّي لست أنساه ان شاء الله تعالى و السلام عليه و على جميع موالي أهل البيت الطاهرين و الرحمة و البركة - عصمنا الله و اياهم من الزلل و الخطل و الهفوة في القول و العمل - انه على ذلك قدير، و بالاجابة جدير، و صلى الله على سيدنا و نبينا و حبيب قلوبنا و طبيب

نفوسنا، أبي القاسم محمد و علي آله الطيبين مساكن ذكرالله، و معادن حكمته و تراجمه و حيه عناصر الأبرار و دعائم الأخيار، الذين بهم عرفنا الله معالم ديننا، وأصلح ما كان فسد من دنيانا.

و بهم تمت الكلمة، و عظمت النعمة، و أتلفت الفرقة، اللهم أحيينا حياتهم، و أمتنا مماتهم، و احشرونا في زميرتهم، و تحت ولايتهم و لا تفرق بيننا و بينهم طرفة عين أبداً، و ارزقنا في الدنيا زيارتهم، و في الآخرة شفاعتهم (أمين أمين لا أرضى بواحدة، حتى يضاعف اليه الف آمينا) و يرحم الله عبداً قال أمين، و حرّر في رابع محرم سنة ۱۳۵۵ و قد وقع الفراغ من هذه الاجازة الشريفة و العجالة المنيفة بمدرسة الفيضية الواقعة في جوار مشهد السيدة الجليلة فاطمة المعصومة بنت الامام موسى الكاظم عليه السلام و أنا الراجي فضل ربه عبده الملتجى بباب اهل البيت شهاب الدين أبوالمعالى المدعو بالنجفي الحسيني الحسنى المرعشى كان الله له و عفي عنه ثم الختم.

#### مأخذ مقاله

المسلسلات في الاجازات، سيد محمود مرعشى نجفى، قم: كتابخانه بزرگ آيت الله العظمى مرعشى نجفى، ۱۴۱۶ ق؛ الاجازة الكبيرة، آيت الله العظمى مرعشى نجفى، به كوشش محمد سماى حائرى، زير نظر سيد محمود مرعشى نجفى، قم: كتابخانه بزرگ آيت الله العظمى مرعشى نجفى، ۱۴۱۴ ق؛ الدرالفريد الجامع لمتفرقات الاسانيد، قاهره، ۱۳۵۷ ق؛ شهاب شريعت، درنگى در زندگى حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى، على رفيعى علا مرودشتى، قم: كتابخانه بزرگ حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى، ۱۳۷۳ ش / ۱۴۱۵ ق؛ قيسات من حياة سيدنا الاستاذ آية الله العظمى المرعشى النجفي، سيد عادل علوى، قم: كتابخانه بزرگ آيت الله العظمى مرعشى نجفى، واطلاعات اضافى كه خود اينجانب از آغاز طفوليت تا كنون از والد خود داشته و دارم.